روزنامه شرق

چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۵ ■ ۲۰ ربیع الاول ۱۴۲۷ ■ ۱۹ آوریل ۲۰۰۶

سال سوم ■ شماره ۷۳۸ ■ ۱۶+۲۰ صفحه ■ ۱۵۰ تومان

عسگراولادی: ناطق نوری را برمی‌گردانیم

«من و ناطق پیر شده‌ایم و بهتر است یک جوان مسئول شورای هماهنگی نیروهای انقلاب شود.» این مطلب را «حبیب‌الله عسگراولادی» قائم‌مقام شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اعلام کرده است. شورایی که از سال ۷۹ پایه گذاشته شد تا در سه انتخابات پیاپی دوره دوم شوراها، مجلس هفتم و ریاست جمهوری نهم با انسجام بخشیدن به نیروهای جناح راست و استفاده از شرایط به وجود آمده برای اصلاح طلبان، پیروزی را از آن خود کند. . .

صفحه ۶

دومین شماره کتابخانه شرق ضمیمه روزنامه امروز

برای نسل من کتاب خواندن همیشه بهترین سرگرمی بوده و هست. با اینکه امروزه انواع و اقسام وسایل سمعی و بصری در اختیار همه هست، ولی کتاب خواندن به دلیل اینکه نه برق می‌خواهد نه باتری نه تلفن و اینترنت همه‌جا می‌توان اوقات فراغت را هر چقدر کوتاه هم باشد با خواندن کتاب سپری کرد. کتاب خواندن تفریح اول من است. عادت کتاب خواندن مثل عادت سیگار کشیدن برای سیگاری‌های دبش غیرقابل ترک است حتی وقتی که. . . از روزنامه فروشی‌ها بخواهید

تجمع مقابل مجلس علیه بدحجابی

عکس: جواد مقیمی/فارس

گروه اجتماعی: صبح دیروز تعدادی از خانواده‌های شهدا و بسیجی با برگزاری تجمعی اعتراض‌آمیز مقابل مجلس شورای اسلامی اعتراض خود را به وضعیت بدحجابی در کشور اعلام کردند و خواستار اقدام مجلس در این‌باره شدند. همزمان ظهر دیروز ماموری در یکی از کوچه‌های فرعی هشت متری خیابان سهروردی جنوبی تهران، پشت بلندگوی پاجروی سبزرنگ به خانمی که به نظر او حجاب مناسبی نداشت تذکر منکراتی می‌داد «آستینت رو بکش پایین. روسریت رو درست کن.» او ادامه داد: «لباست رو درست کردی یا ببرمت منکرات؟ سوار شو. زنگ بزن پدر و مادرت بیان، با کت و شلوار.»

اهالی محل سرها را از پنجره‌ها بیرون آورده بودند و دخترکی را نگاه می‌کردند که کنار پاجروی پلیس اخم کرده، ایستاده بود و نه آستینش پارچه‌ای برای پایین کشیدن داشت و نه پاچه‌های شلوارش.

درست در همین موقع که مامور پلیس در خیابان سهروردی مشغول انجام وظیفه بود، جمعی از زنان خانواده شهدا و ایثارگران جلوی مجلس شورای اسلامی جمع شده بودند و در حالی که پلاکاردهایی با جمله «مجلس حزب‌الله، کو قانون الهی؟» در دست داشتند از دولتمردان و مسئولان می‌خواستند که با بدحجابان خیابان‌های شهرها برخورد شدیدی شود. در همان دقایق سردار طلایی رئیس پلیس تهران نیز در مرکز نظارت همگانی ناجا به خبرنگاران می‌گفت: «با زنان و دخترانی که در خیابان از شلوارک استفاده می‌کنند و پاهای آنها برهنه است برخورد می‌کنیم.» اما در همان ظهر دیروز عماد افروغ رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم به خبرنگاران پارلمانی از حجاب و بدحجابی می‌گفت اما برخوردهای خشن را کافی نمی‌دانست: «برخورد با بدحجابی یک راه‌حل فرهنگی دارد. راه فرهنگی فقط نصیحت و ارشاد نیست، باید الگو ارائه دهیم.» دیروز نیز همچون روزهای مشابه سال‌های گذشته، با نزدیک شدن فصل گرما حجاب به کانون بحث‌های مسئولان فرهنگی و انتظامی کشور تبدیل شده بود. برخورد با بدحجابی از پیشواز نوروز آغاز شده بود اما روز گذشته به طور رسمی اعلام شد.

هفته گذشته نمایندگان شورای شهر تهران از بدحجابی برخی از خانم‌های تهرانی گلایه می‌کردند و خواستار برخورد سخت مراجع قضایی شده بودند. پیش از آن نیز در برخی از خیابان‌های اصلی محله‌های شمال تهران و برخی شهرهای بزرگ کشور، ماشین‌های «هایس» نیروی انتظامی کناری می‌ایستادند و خودروی رانندگانی را که حجاب مناسبی نداشتند نگه می‌داشتند. گاهی حتی راه‌بندان هم درست می‌شد و خانم‌های راننده‌ای که از ماشین پیاده شده بودند، در صف می‌ایستادند تا به ترتیب به کارشان رسیدگی شود. برخی از عابران کنجکاو با دیدن سر و وضع خانم‌های بازداشت شده از پلیس تشکر می‌کردند و بعضی افسوس می‌خوردند که چرا این گونه برخورد می‌شود؟

شهروندان تقریباً تهرانی بسته به پوشش خود نظرهای متفاوتی درباره حجاب دارند. برخی از آنها، همانند خانمی که جلوی پارک ملت در خیابان ولی عصر ایستاده به آزادی در پوشش معتقدند: «اگر برخی دوست دارند این طور تند و صریح لباس بپوشند، ایرادی ندارد، کاریش نمی‌شود کرد اما باید عواقب این کار را هم بپذیرند. منظورم بازداشت پلیس نیست، منظورم مزاحمت‌های خیابانی‌ای است که برایشان پیش می‌آید.» خانم دیگری هم در خیابان جردن در شمال تهران که محل گذر بسیاری از خانم‌های مشهور به بدحجاب است، با شنیدن خبر برخورد با بدحجابان می‌گوید: «اگر آقایان به فکر ما هستند لطفاً توی این کار دخالت نکنند. ما خودمان می‌دانیم چقدر باید حد نگه داریم.» مانتوی روشن کوتاهی پوشیده و دسته‌ای از موهایش بیرون روسری مانده ادامه می‌دهد: «مشکل مهم‌تر از بدحجابی این است که همه لباس‌ها مثل هم شده‌اند. شلوار همه آدم‌ها مثل هم کوتاه شده یا مانتوی همه تا بالای زانو است. پیش از عید من دنبال مانتوی بلند می‌گشتم، پیدا نکردم.

همه مانتوها یک‌جور، تنگ و کوتاه بودند. این جوری آدم‌ها شخصیت مخصوص به خودشان را از دست می‌دهند و نمی‌توانند فردیت داشته باشند. همه می‌شوند همرنگ و هم‌مدل.»

چهار پسر نوجوان که کنار میدان ونک ایستاده‌اند و در فرصت میان دو کلاس کنکورشان که در ساختمان دور میدان ونک تشکیل می‌شود، به خیابان آمده‌اند تا قدمی بزنند. آنها می‌گویند: «هرکه هر چه دوست دارد بپوشد.» آن که قدبلندتر است می‌گوید: «نباید به آدم‌ها بگوییم چطور لباس بپوشند.» به پسری که از کنارشان می‌گذرد و شلواری گشاد ـ مدل بگ- پوشیده که از کمرش آویزان است، اشاره می‌کند و می‌گوید: «شاید اگر به من این شلوار را پنج هزار تومان هم بفروشند نخرم و نپوشم اما این آقا خریده، احتمالاً پنجاه هزار تومان هم خریده و پوشیده. اشکالی ندارد، بپوشد.» کناردستی‌اش می‌گوید: «همین افراط و تفریط‌ها ما را به اینجا کشانده است. برخی دوست دارند شلوارشان تا زیر کفش‌شان باشد و برخی تا زیر زانو.»

اما همه به این راحتی از بدحجابی نمی‌گذرند. مرد بیست و چندساله کارت پخش کنی که پایین‌تر از میدان ونک در خیابان ولی عصر تهران ایستاده و فریاد می‌کشد: «یک ماه تمدید شد» از برخورد تند با قانون‌شکنان می‌گوید: «باید ریشه اینها را از بیخ بخشکانند. اوضاع خیلی افتضاح است. چند دقیقه پیش سه تا پسر هفت قلم آرایش کرده آمده بودند اینجا همه دورشان جمع شده بودند. بعضی از خانم‌ها طوری لباس می‌پوشند که انگار به عروسی آمده‌اند.» راه‌حل او بازگشت به سال‌های دهه شصت است: «باید سخت برخورد کنند، مثل گذشته. اگر پاچه شلوارشان را جر بدهند، ابروهایشان را با تیغ از ته بتراشند، دیگر از این غلط‌ها نمی‌کنند.»

چند سرباز نیروی انتظامی در انتهای خیابان جردن دوربرگردان را بسته‌اند. به برخی از ماشین‌هایی که می‌خواهند دور بزنند و دوباره برگردند به خیابان جردن اجازه نمی‌دهند. فرمانده آنها می‌گوید: «بعضی از این ماشین‌ها تا صبح می‌خواهند توی این خیابان دور بزنند و نمایش بدهند.» اشاره می‌کند به یک بی‌ام و قرمزرنگ و می‌گوید: «مثلاً اگر یک ساعت اینجا بایستید می‌بینید این ماشین چهار بار می‌آید دور می‌زند.» همکاران فرمانده کمی پائین‌تر از آن خیابان، جلوی خانم هایی را که روسری کوچک یا باریکی به سر کرده‌اند می‌گیرند. ماموران پلیس هم خانم هایی چادر به سر هستند و هم آقایانی با یقه دکمه بسته. یک بنز الگانس نیروی انتظامی دور میدان ونک ایستاده است. سه مامور سبزپوش با کلاه‌های کج کنار ماشین به عابران نگاه می‌کنند. فرمانده می‌گوید: «برخورد با بی‌حجابی در دست قوه قضائیه است، اگر دستور بدهند ما برخورد می‌کنیم.» وقتی می‌شنود فرمانده نیروی انتظامی تهران دستور برخورد با بی‌حجابی را صادر کرده، می‌گوید: «بی‌حجابی اشاعه فحشا است و اگر دستور داشته باشیم برخورد می‌کنیم.» در پاسخ به سئوال «آیا حالا که اینجا ایستاده‌اید برخورد با بی‌حجابی جزء وظایف شماست»، با لبخند خشکی می‌گوید: «امر به معروف و نهی از منکر جزء وظایف همه ما است. مگر نه؟»

البته او امروز از سردار طلایی دستور برخورد با بدحجابان را دریافت خواهد کرد.

فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ دیروز گفت که «با زنان و دخترانی که در خیابان از شلوارک استفاده می‌کنند و پاهای آنها برهنه است و یا افرادی که بدون روسری در جامعه حضور پیدا می‌کنند برخورد می‌شود.» با استناد به اظهارات وی قطعاً مسئولیت این برخوردها با ۵۰ بنز الگانسی خواهد بود که تحت قالب «واحدهای گشت ارشاد» از صبح فردا گشت‌زنی در شهر تهران را آغاز خواهند کرد. که فرمانده یکی از سرنشینان آنها خواهد بود. این واحدهای گشتی متشکل از پلیس‌های مرد و افسران زن تازه به خدمت گرفته شده‌ای خواهند بود که با شعار «ارتقای سطح سلامت و امنیت اجتماعی» کنترل امور را در دست خواهند گرفت. به گفته فرمانده پلیس تهران بزرگ این طرح ناامن‌کنندگان محیط‌های اجتماعی را هدف قرار داده است. سردار مرتضی طلایی در توجیه اجرای این طرح نیز گفت که هم‌اکنون «عمده نگرانی مردم امنیت خانواده‌های آنها است.» براساس این طرح که از صبح فردا و به صورت گسترده در شهر تهران به اجرا گذاشته می‌شود ماموران پلیس مجاز خواهند بود «با زنان و دخترانی که در خیابان با روسری‌های کوتاه و یا باریک حاضر می‌شوند»، «مانتوهای کوتاه و چسبان می‌پوشند» و یا «برخلاف آئین‌نامه امور اخلاقی با حیوانات اهلی در معابر عمومی تردد می‌کنند» برخورد کنند. به گفته سردار طلایی همچنین عوامل ایجاد آلودگی‌های صوتی نیز جزء تخلفات به شمار می‌آید. «استفاده از اگزوزهای گوش‌خراش، بوق‌های وحشتناک، صدای بلند رادیوپخش و نصب تجهیزات اضافی بر روی خودروها و توزیع موادمخدر در سطح پارک‌ها و معابر عمومی» از مصادیق تخلفات موردنظر هدایت‌کنندگان الگانس‌های ارشادی خواهد بود.

البته سردار طلایی در جمع خبرنگاران به آژانس‌های مسافرتی نیز هشدار داد و گفت: «در راستای این طرح راننده‌های آژانس‌های مسافری موظفند تابلوهای مربوط به آژانس خود را بر روی خودرو نصب کنند چرا که مسئولیت مسافران از لحاظ پوشش با آنها است.» وی افزود که در این رابطه هماهنگی‌های لازم نیز با راهنمایی و رانندگی برای توقیف خودرو برای نخستین‌بار و تعطیلی آژانس در صورت تکرار صورت گرفته است. فرمانده پلیس تهران همچنین از اقدامات و طرح‌های ویژه‌ای برای نحوه مواجهه با کنش و واکنش‌های مردم پس از پیروزی‌های احتمالی تیم ملی فوتبال در جام جهانی خبر داد. اظهارات صبح دیروز سردار طلایی اگرچه اولین واکنش ماموران انتظامی بلندپایه کشور به آنچه بدحجابی خوانده می‌شود به شمار می‌آید اما در واقع دنباله بحثی است که از سوی نادر شریعتمداری عضو شورای شهر تهران آغاز و در ظرف ده روز به یک جریان مبدل شد. وی در بیست و دوم فروردین‌ماه در نطقی علنی نسبت به ناهنجاری فرهنگی رایج در زمینه پوشش نامناسب افراد به ویژه زنان هشدار داد و توجه جدی به این مسئله را خواستار شد. وی گفت: «ما به دنبال آرمان‌شهری می‌گردیم که در آن زندگی کنیم» اما «طی ماه‌های گذشته توجه‌مان به برخی مسائل کمتر شده که اعتراض مردم را به دنبال داشته است.» عضو شورای شهر تهران این غفلت‌ها را موجب «ساختارشکنی‌ها و عبور از خطوط قرمز پوششی و اخلاقی شهر تهران دانست که هیچ مطابقتی با معیارها و قاعده‌ها ندارد.» نادر شریعتمداری مسئولان فرهنگی و انتظامی را در رسیدگی به وضعیت پوشش زنان منفعل دانست و به صورت تلویحی تولیدکنندگان را به عنوان مقصر عنوان کرد. «ما نمی‌توانیم نسبت به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پوشاک غفلت کنیم» و «در زمینه تولید و توزیع پوشش‌ها با کوتاهی و غفلت جدی از سوی مسئولان مواجهیم.» وی این شرایط را باعث خدشه وارد شدن به مبانی اصیل انقلاب و اسلام دانست و از مخاطبان نامعلوم خود خواست «در شرایط و وضعیت کنونی بین‌المللی در زمینه اصول شناخته شده متحد شوند.»

به دنبال این اظهارات بود که حسن بیادی دیگر عضو شورای شهر نیز پیشنهاد کرد: «متنی تهیه کنیم و اعضای شورای شهر آن را امضا کنند تا در راستای اعلام به مسئولان ارسال شود.» نامه‌ای که اگرچه تا به امروز تهیه نشده است اما به واقع ایجادکننده جریانی بود که صبح دیروز به اظهارات فرمانده پلیس تهران، جمعی از نمایندگان و سخنگوی قوه قضائیه ختم شد. همزمان با اظهارات فرمانده پلیس تهران که در تشریح طرح جدید برخورد با بدحجابی صورت گرفت در گوشه‌ای دیگر از پایتخت سخنگوی قوه قضائیه گفت که بدحجابی در جامعه جرم مشهود است و در جرایم مشهود ضابط قضایی می‌تواند برخورد کند. وی همچنین این برخورد را نیازمند حکم قضایی ندانسته و تصریح کرد: «طبق تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا به ۵۰ تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.» همزمان جمعی از زنان حزب‌اللهی و بسیجی نیز در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. آنها با حجاب تمام مشکی رنگ و سر دادن شعارهایی چون «مجلس حزب‌الله کو قانون الهی؟» و «حجاب مصونیت است نه محدودیت» از نمایندگان مجلس پرسیدند «نمایندگان مجلس هفتم برای برخورد کارشناسانه، قاطع و ریشه‌ای با معضل فساد اخلاقی، بی‌بند و باری و بدحجابی» چه کرده‌اند. زنان حزب‌اللهی سپس از نمایندگان تصویب هرچه سریع‌تر قانون حجاب و مقابله با بدحجابی را خواستار شدند. زنان بسیجی که عکس‌هایی از شهدا را نیز در دست داشتند در پایان اعلام کردند روز چهارشنبه بار دیگر مقابل مجلس تجمع می‌کنند تا جواب نمایندگان قلب خانواده شهدا را شاد کند. با وجود این فرصت دوروزه نمایندگان اکثریت مجلس هفتم سکوت را جایز ندانسته و حتی در میان حاضران به ایراد سخنرانی پرداختند. محمدتقی رهبر نماینده اصفهان خواستار مقابله با تولیدکنندگان مانتوهای کوتاه شد. بحث مقابله با تولیدکنندگان لباس‌های کوتاه زنانه چند سالی است که مطرح می‌شود و در یک مورد منجر به صدور دستورالعملی مبنی بر عدم فروش مانتوهای کوتاه شد. این دستورالعمل چندسال پیش صادر و باعث شد تا تولیدکنندگان مانتوهای کوتاه خود را قبل از پایان مهلت داده شده در این دستورالعمل به حراج گذارند. محمدتقی رهبر عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در همین زمینه گفت: وضع بی‌حجابی برای ما در دنیا موجب آبروریزی شده و مردم دلسوز و کسانی که شهید داده‌اند از این موضوع رنج می‌برند. وی در گفت‌وگو با «آفتاب» با اشاره به آغاز فصل گرما و شیوع بدحجابی در کشور گفت: «برای مجازات تولیدکنندگان، فروشندگان و مصرف‌کنندگان لباس‌های مبتذل و خلاف شرع قانون داریم اما این قانون سال‌ها است که در بایگانی خاک می‌خورد و هیچ مسئولی اصرار نکرده این قانون عملی شود.» این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس افزود: «در این بابت حاکمیت مقصر بوده و امروز هم اگر کوتاهی کند، مقصر است.» محمدتقی رهبر در ادامه با اشاره به «رنج خانواده شهدا» از بی‌حجابی ادامه داد: «حکومت مقصر است و باید بر تولید لباس نظارت شود.»

ادامه در صفحه ۱۹

تیترها

لغو پروژه ال-۹۰

صفحه ۴

سخنگوی قوه قضائیه خبر داد:

حبس و جریمه برای زنان بی‌حجاب

صفحه ۷

بهزاد نبوی: دیدارها با مهندس سحابی می‌تواند ادامه یابد

صفحه ۶

بازار دیروز	
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۳۷۶۰ تومان
سکه تمام بهار	۱۸۵۰۰۰ تومان
نیم سکه	۹۰۰۰۰ تومان
دلار	۹۱۶ تومان
یورو	۱۱۲۵ تومان
شاخص کل بورس تهران	۹۵۱۶/۸

واکنش به حمله انتحاری در اسرائیل

صفحه اول

آرش فرح‌زاد: حمله انتحاری روز دوشنبه در اسرائیل که به کشته شدن نه شهروند اسرائیلی منجر شد موضوع قطع کمک‌های مالی به دولت فلسطین را مورد توجه روزنامه‌های روز گذشته قرار داد. روزنامه «ایندیپندنت» عکس اول روز گذشته خود را به نوجوان هفده‌ساله‌ای که این حمله انتحاری را انجام داد اختصاص داده بود و نوشت: «با انجام این حمله تروریستی که گروه جهاد اسلامی مسئولیت آن را به عهده گرفته، بحث قطع کمک‌های مالی به دولت فلسطین باز هم مورد توجه روزنامه‌ها قرار گرفت. ژاپن که از سال ۹۳ تاکنون هشتصد و چهل میلیون دلار به دولت فلسطینی کمک کرده است از حماس خواسته که فعالیت‌های تروریستی خود را کنار بگذارد چرا که در غیر این صورت کمک‌های خود را به فلسطین قطع خواهد کرد.

اما به نظر نمی‌رسد سازمان ملل کمک ماهانه شش میلیون دلاری خود را مورد تعلیق قرار دهد. اخیراً ایران و قطر هر کدام پنجاه میلیون دلار به حماس کمک کرده‌اند.» در آلمان روزنامه «فرانکفورتر روندشاو» با اشاره به اینکه قطع کمک‌های مالی از سوی اروپا و آمریکا نتیجه درستی در پی نداشته، می‌نویسد: «اتحادیه اروپا امیدوار بود با وارد آوردن فشار اقتصادی بر حماس باعث تغییر رویه این گروه تروریستی شود، اما این اقدام نتیجه‌ای کاملاً عکس در پی داشته است.» «زوددویچه سایتونگ» نیز اینگونه نسبت به سیاست‌های اتحادیه اروپا در فلسطین واکنش نشان داد: «فلسطینی‌ها و به‌خصوص سران حماس به احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران روی آورده‌اند. رهبران حماس در آخرین سفر خود به تهران موفق به دریافت کمک پنجاه میلیون دلاری از ایران شدند تا بیشتر بتوانند حملات خود را ادامه دهند.» اما روزنامه «تاگس اشپیگل» دیدگاه دیگری دارد: «کمک پنجاه میلیون دلاری ایران تنها قطره‌ای در اقیانوس خواهد بود. حماس نمی‌تواند در بلندمدت روی اینگونه کمک‌ها حساب کند. دیگر رژیم‌های منطقه خاورمیانه اینقدر دست و دلباز نیستند. به همین دلیل اروپا می‌تواند با وارد کردن فشار بیشتر به حماس خواستار تغییر رویه این گروه تروریستی شود.»

سرمقاله

میان وجود و عدم

محمد رهبر

مردهای ایرانی، آنها که تا به حال پای از وطن بیرون نگذاشته‌اند، در آن ساعات اولیه پرواز سرگیجه‌ای دارند که البته دلیلش افت فشار و ارتفاع زیاد نیست. چرخ‌های هواپیما که بسته می‌شود، گره‌های روسری باز می‌شود و آنها که تا به حال غیر از محارم و فیلم‌های خارجی تلویزیون ایران زن بی‌حجابی ندیده‌اند، حالت غریبی را تجربه می‌کنند، اندک اندک مانتوها، بلوز و شلوار می‌شوند و پاشنه‌های کوتاه، بلند و چیزی نمانده به فرود که دیگر نمی‌توان همراهان مهرآباد را تشخیص داد، این سئوال که چهره واقعی کدام بود هم لحظه‌ای در ذهن برقی می‌زند و با رسیدن به جایی که ایران نیست و برخی مسافران شبیه آدم‌های کوچه و خیابان می‌شوند، رنگ می‌بازد. ایرانی دور از وطن در آغاز سفرش و با دیدن بلادی که حال و هوای مردمش شبیه هموطنانش نیست، به حالت خیرگی مقطعی می‌افتد، برای کشورهای همسایه که میزبان ایرانیان زیادی بوده‌اند، این حالت شناخته شده است، وضعیتی که با چند روز ماندن و چشم گشودن عادی می‌شود و عاقبت به سر می‌آید، برخی زنان مسافر نیز در آن روزهای اول متمایز از کسانی هستند که در بی‌حجابی با آن‌ها همانندند، آرایش غلیظ ایرانی‌ها البته تفاوت‌ها را آشکار می‌کند و روزهای بعد کمرنگ می‌شود و همگون با همان دیار. با همه اینها گویا نه مرد ایرانی و نه زن ایرانی در این فضا احساس راحتی نمی‌کند. وضعیت پوشش در ایران آنقدر با روحیاتشان اُخت شده که نه به این راحتی می‌توان ترکش کرد و نه به آسودگی می‌توان نوع دیگری را آزمود. این تقریباً حال و روز ایرانی‌های کم‌سفر به بلاد غیر است. اما شاید برای یک غیرایرانی که در خیابان‌های تهران قدم می‌زند، چیزی جالب‌تر از پوشش زنان نیست، آنها نه مانند زنان عربستان برقع بر رخ دارند و نه مانند اروپایی‌ها با آستین حلقه‌ای و موی افشان این سو و آن سو می‌روند، آنچه هست کاملاً منحصر به فرد است و برای همین جاست. از سال ۵۷ که انقلاب پیروز شد و اصول اسلامی حاکم، نزدیک به سه دهه می‌گذرد. جامعه ایرانی در این سال‌ها که هیچ کدام مثل هم نبودند بارها و بارها زیر و زبر شد. دهه شصت در همسایگی با جنگ گذشت و بیرق آرمان‌های بزرگ و جهانی برافراشته بود، ریاضت جنگی و اقتصادی که کمربندهایش را هر روز سفت و سخت‌تر می‌کرد آنچنان بود که همه را شبیه به هم می‌ساخت. در پوشش و حتی گفتار، آنچنان که اصطلاح «برادر و خواهر» بر زبان عامه بود و چادرهای سیاه و پیراهن‌های افتاده بر شلوارهای پارچه‌ای تصویر ثابت کوی و برزن. اما چنین نیز نماند.

نسل تازه وارد به دنیا و متولدین این سال‌های صعب یک دهه بعد پا می‌گرفتند و پا به خیابان می‌گذاشتند و نفسی بی‌بوی باروت می‌کشیدند. آهسته، آهسته چادرهای سیاه، مانتوهای مشکی شدند و هر سال که گذشت رنگی‌تر و گونه‌گون‌تر. آن تصویر ثابت سیاه و سفید دیگر متحرک شده بود و رنگی. بدحجابی واژه مانوسی بود که در این سال‌ها که روز و روزگار تغییر می‌کرد بیشتر شنیده می‌شد و البته این‌بار نه با آن غلظت سال‌های شصت که گاه با خشونت همراه بود و تهدیدات هراس‌آور. عقوبت بدحجابی به بسترسازی و کار فرهنگی نیز آمیخته بود یعنی باید کاری کرد که بی‌هیچ حرف و حدیثی حجاب مصون بماند و زنان با رغبت تمام در مستوری بکوشند، اما با این همه، عبارت بدحجابی همچنان پابرجا ماند با همان عقبه هراس‌آورش.

لفظ بی‌بدیل بدحجابی که همان سال‌های صدر انقلاب در دهان انقلابیان می‌چرخید و گاه به پسوند مرگ نیز مزین می‌شد هم از همان عباراتی بوده و هست که تنها در ایران می‌توان شنید. بدحجابی پدیده‌ای است میان وجود و عدم. هم هست و هم نیست. در دیگر کشورهای اسلامی تکلیف روشن است، آنها که حجاب دارند همه زلف را به زیر مقنعه و روسری برده‌اند و آنها که ندارند هم که ندارند. می‌توان خط‌کش تفکیک را به میان گذاشت و این دو رسته را دسته‌بندی کرد؛ بی‌حجاب‌ها و باحجاب‌ها. اما در ایران که همه باحجاب هستند البته بدحجابی ممزوجی از هر دو است. هم بودن و هم نبودن. این است که ناظر بیرونی نه آداب متصلبی که از بگیر و ببند و حکایت در حصار بودن زنان شنیده است را در ایران می‌بیند و نه زنان را مانند مرز و بوم خود می‌یابد. آنچه هست گویا حاصل سال‌ها مدارای دوطرفه قانون و مردم است، قانونی که گاه به وقت گرمای هوا، گیراتر می‌شود و تذکر و توبیخ ثمره‌اش و گاه آرام و ملایم و در نهایت آنچنان می‌شود که امروز در خیابان‌ها می‌بینیم، سنتزی میانه آنچه باید باشد و آنگونه که نباید بود، انگار که همه همین را می‌خواسته‌اند و این توافقی است میان ارزش و ضدارزش. اما اینکه چهره واقعی کدام است را باز باید در همان پرواز پیدا کرد، هواپیما مرز ایران را که زیر بال می‌گذراند باز همه چیز تغییر می‌کند. روسری از چمدان‌ها بیرون می‌آید، مانتوها بر تن می‌رود، خلبان چند بار تکرار می‌کند که تا چند دقیقه دیگر در مهرآباد خواهد نشست و همه چیز به قرار اول بازمی‌گردد و تا ساعتی دیگر مسافران همرنگ جماعتی می‌شوند که در کوچه و خیابان می‌روند و می‌آیند با روسری و مانتو.